

جستار گشایی

نخستین روزهای دی ماه ۱۳۹۶، رزمندگانی پرشور در اکثر شهرهای ایران، نه تنها رشادت، از خود گذشتگی و بی باکی الهامبخش نشان داده اند، بلکه خواست های روشنی را فریاد کرده اند که می تواند و باید برنامه و پرچم مبارزه ما برای گذار از حکومت اسلامی باشد. با نگاهی به محتوای شعار های این رزمندگان دلیر، می توان به خواست ها، سطح و ویژگی جنبش سرنگونی رژیم، پی برد.



تظاهرات ی ماه ۱۳۹۶

شعار های خیزش نشان می دهد، مردم به ستوه آمده از تنگدستی و اختناق و تبعیض، مطمئن شدند که رژیم قابل اصلاح و قادر به حل مشکلات آنها نیست و علیرغم خشونت غیر انسانی، درنده خویی، سرکوب و اعدام گسترده ی رژیم، دل آنرا پیدا کردند که بپاخیزند و درد خود را فریاد کنند. اکثریت قریب به اتفاق تظاهرکنندگان در زمان حکومت جمهوری اسلامی متولد شدند و در مدارس و دانشگاه های اسلامی شده آنها درس خوانده اند. شعار های به روشنی رنگ معیشتی، ضد حکومتی و براندازانه، ضد روحانیت و حسرت به گذشته دارد. حرکت اعتراضی هر چند با شعار های معیشتی آغاز شد، اما مطالبات آغازین آن به زودی ژرفش یافت به نفی و سرنگونی نظام ولایت فقیه و روحانیت انجامید

واکنش حکومت، انکار خواست ها، انکار بیکاری، فقر، گرانی، تورم، کارتن خوای، گورخوابی، پشت بام خوابی، ماشین خوابی و اتوبوس خوابی و تلاش در بردن جنبش به سمت خشونت و نسبت دادن آنها به خارجی ها بود. محمد جعفر منتظری، دادستان کل کشور بی شرمانه می گوید:

طراح اصلی این پروژه، یک آمریکایی به نام مایکل اندریا، مسئول سابق مبارزه با تروریسم سازمان سیا آمریکا است و اتاق عملیاتی متشکل از سه ضلع آمریکا، صهیونیست و آل سعود نیز برای این نآرامی ها تشکیل شده بود که به طور عمده، برنامه ریزی آن به عهده مایکل و یکی از افسران اطلاعاتی وابسته به موساد انجام می شد و هزینه آن هم به عهده آل سعود بود.

خیزش دی ماه ۱۳۹۶ دو ویژگی برجسته داشت: بیشتر شرکت کنندگان در جنبش از جوانان محرومترین اقشار جامعه بودند و خیزش کاملن غیر مذهبی بود و شعار های مذهبی چون "الله اکبر" و "یا حسین" شنیده نشد. جنبش سکولار و خواهان جمع کردن بساط دین از حوزه ی سیاست و قدرت بود.

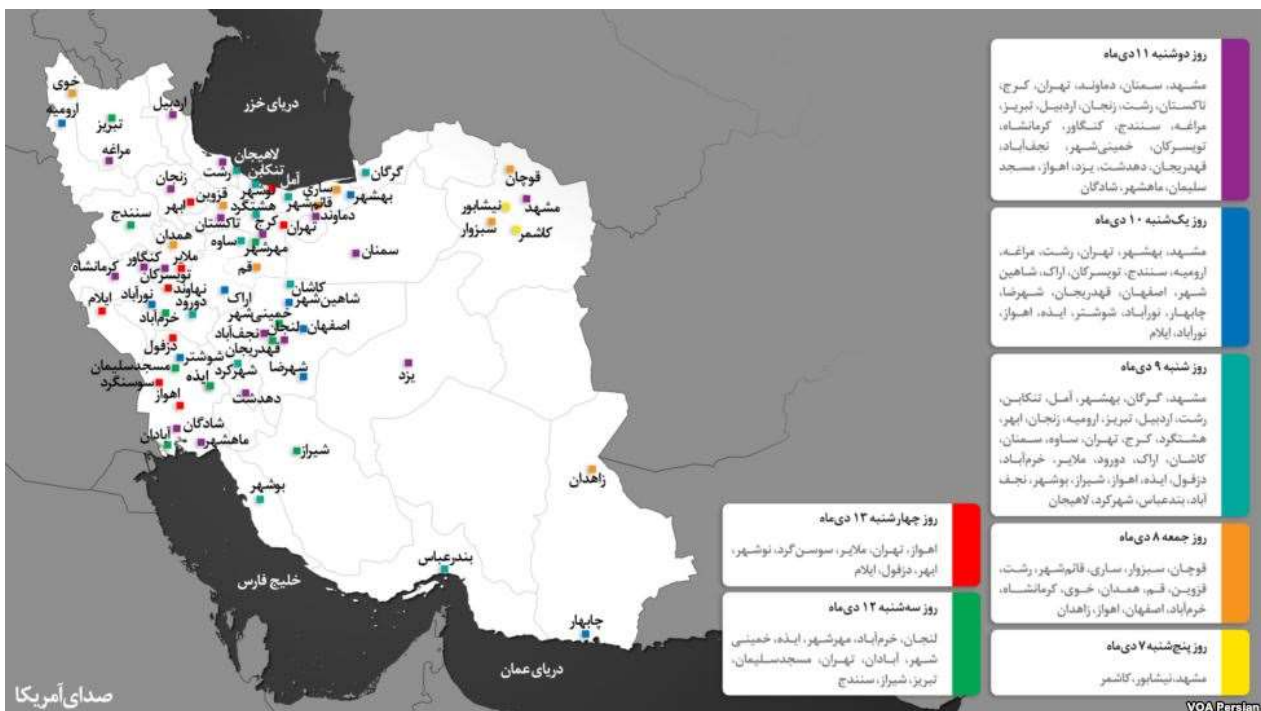
همین ویژگی جنبش بود که خامنه‌ای یکی از ضدمستضعفین‌ترین تفسیر و سخنرانی خود را علیه تهیدستان معترض جامعه در ۶ آذر ۱۳۹۸، در بازتعریف "مستضعفین" ارائه کرد. او شاید نگران از ریزش سپاهیان و بسیجیانی که برادران و خواهران بیکار، گرسنه و نشنه خود را به گلوله می‌بندند، تعریفی بدعت‌گذارانه از مستضعفین به‌دست می‌دهد که اساساً علیرغم ادعاهای پیشین روحانیون، افراد "فرو دست" جامعه را دارای جایگاه ویژه‌ای نمی‌داند. او حتی در جمع اعضای بسیج مستضعفین از معترضان مستضعف، انسان‌زادئی می‌کند و می‌گوید:

مستضعفین را بد معنا می‌کنند؛ مستضعفین را به افراد فرودست یا حالا اخیراً - یعنی این چند سال اخیر باب شده - اقشار آسیب‌پذیر [معنا می‌کنند]، یعنی آسیب‌پذیران؛ نه! قرآن مستضعف را این نمی‌داند... مستضعفین یعنی ائمه و پیشوایان بالقوه عالم بشریت؛ این معنای مستضعفین است: کسانی که وارثان زمین و همه‌ی موجودی زمین خواهند بود؛ بسیج مستضعفین این است. مستضعف یعنی آن کسی که بالقوه صاحب وراثت عالم است، بالقوه خلیفه‌الله در زمین است، بالقوه امام و پیشوای عالم بشریت است.

به زبان دیگر مستضعفین یعنی طرفداران ولایت مطلقه فقیه، روحانیون شیعه و سرکوبگران اعتراضات مردم. به بسیج مستضعفین می‌گوید که خیالتان راحت باشد به‌نام «امام و پیشوای عالم بشریت» یعنی خامنه‌ای مردم را بکشید و هیچ عذاب و جدان نداشته باشید.

این نوشته نشان خواهد داد که خیزش دی ماه ۱۳۹۶ یک خیزش ضد تحقیر، ضد تبعیض و امتیاز و رانت‌خواری، و ضد تمامیت‌خواهی و خودکامگی و یک خیزش سرنگونی‌خواه بوده است. به گستره خیزش، محتوای شعارها و آسیب‌شناسی آن می‌پردازد.

گستره‌ی قیام



تظاهرات سراسری در هفت روز نخستین آن در مناطق مختلف ایران، دی ۱۳۹۶

خیزش دی ماه ۱۳۹۶ گسترده‌ی قابل توجه‌ای داشت و در بیش از ۱۶۰ شهرⁱⁱ مردم بپاخواستند. تظاهرات از ۷ دی ۱۳۹۶ (۲۸ دسامبر ۲۰۱۷) از مشهد و شهرهای بزرگ استان خراسان آغاز شد. فراخوان شرکت در این تظاهرات که در آغاز «نه به گرانی» و اعتراض به سیاست‌های دولت حسن روحانی، با خواست‌هایی اقتصادی، علیه فساد و رانت‌خواری جاری در دولت ایران و میزان بالای بیکاری، در شبکه‌های اجتماعی انجام گرفت، کم‌کم با فراخوان‌های بیشتر، دامنه‌ی همگانی آن فراتر از مشکلات اقتصادی رفت و مخالفت‌ها با کل نظام سیاسی ایران به‌ویژه علیه ولایت مطلقه فقیه و رهبری خامنه‌ای تکامل یافت.

در این خیزش ۸۰۰۰ تن دستگیر شدند. دستکم ۵۴ تن جان باختند، حداقل سه تن اعدام، چندین تن در زندان زیر شکنجه کشته شدند. در ۴۲ شهر درگیری بین مردم و نیروهای سرکوبگر اتفاق افتاد. طی این تظاهرات گسترده، مردم ۶۰ دفتر امام جمعه در سراسر کشور را تخریب و به آتش کشیده‌اند.ⁱⁱⁱ

رژیم به ناکارائی، نداشتن پایگاه وسیع، ناتوانی خود در برآوردن خواست‌های مردم به‌خوبی آگاه است. از این رو استراتژی و تاکتیک رژیم بر ایجاد ترس و وحشت استوار است. دلآوری زنان و مردان و به‌ویژه جوانان نشان داد، هیولای ترس از رژیم بسیار کم‌رنگ شد و گستردگی اعتراضات نشان داد مشروعیت نظام از هر زمانی کمتر شده است. این دو ویژگی خیزش نقطه عطفی در تاریخ چهار دهه مردم ما علیه حکومت اسلامی است. خیزش نشان داد رژیم آسیب‌پذیر است و توان مردم به‌ویژه جوانان، بنیان‌کن.

شعارهای قیام

شعارهای قیام کم‌وبیش همه‌ی کمبودهای نظام را پوشش می‌دهد. بر گذار از نظام و سرنگونی آن تاکید دارد. خامنه‌ای را که علی‌رغم کنترل همه‌جانبه‌اش بر تمام اهرام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همیشه خود را طلبکار و بی‌گناه می‌شناسد و از قبول مسئولیت سرباز می‌زند را، مورد حمله شدید و همه‌جانبه قرار می‌دهد. به‌درستی خواهان نابودی نظام و لایت مطلقه فقیه است.

هر چند خواست‌ها و شعارهای معترضان کاملن روشن بود. نیروهای حافظ وضعیت موجود و استمرارطلبان می‌خواستند به مردم و جهانیان بگویند که خواست‌های اعتراض کنندگان روشن نبوده است. علی‌رضا علوی تبار خاک در چشم مردم می‌پاشد و می‌گوید: "این افراد سازمانده‌ی و حتی خواسته روشنی نداشتند"^{iv} گزاره نخست درست است ولی، گزاره دوم گمراه‌کننده است.

مبارزه با شکاف طبقاتی، فساد و رانتخواری

عزم قاطع مردم در قیام برای مبارزه با شکاف طبقاتی، بی‌چیزی، رانتخواری و فساد آشکار است. در ایران امروز شکاف طبقاتی سرسام‌آور است. عدم وجود مالیات بر درآمد و ارث، بازبودن دست تاجران حکومتی امتیازور، رانت‌خواران و فرزندان دارای "ژن‌های برتر" آنها یک سو قرار دارند و سویی دیگر مردمی که درآمدی کافی ندارند، بیکارند و یا اگر کاری هم دارند دستمزدشان را سروقت و مرتب دریافت نمی‌کنند. مستمری بازنشستگان کفاف احتیاجات اولیه زندگی آنها را نمی‌کند. قیمت‌ها مرتب رو به افزایش است و قدرت خرید حقوق‌بگیران همواره رو به کاهش. بخش زیادی از بودجه ظاهری کشور (رهبر بودجه و حساب مخفی و جداگانه دارد، بودجه دخالت نظامی در منطقه و توسعه بمب اتمی مخفی است، درآمد اوقاف، آستان قدس رضوی هم همین طور، همانگونه که بسیاری از روحانیون نه تنها مالیات بردرآمد نمی‌دهند، به نام سهم امام درآمد و در بودجه ردیف‌های میلیاردی دارند) به موسسات غیرتولیدی و غیرمفید، تبلیغاتی، ایدئولوژیک و سازمانهای سرکوبگر مردم اختصاص دارد.

کارگران، بازنشستگان، مال‌باخته‌گان و دانش‌آموخته‌گان بیکار و ... این بار با شعارهای اقتصادی شروع کردند، ولی با توجه به چهل سال بی‌عملی و نبود اراده‌ی اصلاحی و کندبودن و ناموثربودن اصلاحات به زودی و به درستی، شعارهای آنها به سیاسی رشد کرد و ساختار حکومت، فساد، رانتخواری و دیکتاتوری سرشتی آنرا نشانه گرفت.

نقد فساد، نقد سانسور هم است. فقط در یک جامعه ناشفاف، در جامعه مبتنی بر تبعیض و امتیازات ایدئولوژیک، در سنیز با شایسته‌سالاری و در جامعه‌ای که رسانه‌ها امکان ایفای نقش رکن چهارم دولت را ندارند، فساد به این گستردگی و ژرفا امکان شکل‌گیری دارد.

اصلی‌ترین دلیل شکل‌گرفتن اعتراضات سراسری، مشکلات معیشتی-اقتصادی در سراسر کشور است. هرچند شعارهای معیشتی و اقتصادی مردم را نمی‌توان از شعارهای ساختار شکنانه تمیز داد:

اختلاس اگر کم بشه، مشکل ما حل می‌شه
به ما خیانت شده، نقض امانت شده
پول‌های ما کجا می‌ره عراق یمن یا سوریه
تا حقمو نگیرم هر شب همین بساطه
چپاول گرونی، زمان سرنگونی

در دانشگاه بیگاری، بعد از تحصیل بیگاری
شعار هر ایرانی، مرگ بر گرانی
غارت نموده مال ما، این دولت دجال ما
کارون جونمه، خوزستان خونمه
ما همه بیکاریم، خداتونو درآریم
مرفهین بی درد، مایه ننگ ملت
مرگ بر بیگاری، مرگ بر دیکتاتور
مرگ بر گرونی
ملت گدایی می‌کند، آخوند (آقا) خدایی می‌کند
نان، کار، آزادی
هم از فقر می‌نالیم، هم از فرق بیزاریم.
هم پول ما رو بردید، هم حق ما رو خوردید، سرمایه‌های ما رو به دزدها سپردید.
پلیس برو دزد رو بگیر

نفی ولایت فقیه و نظام استصوابی

مردم ایران از انقلاب مشروطیت تا کنون برای جامعه‌ای مدرن و دموکراتیک مبارزه کردند. مردم ایران یکی از تحصیل‌کرده‌ترین و آگاه‌ترین مردم منطقه و جهان هستند. نظام ولایتی و استصوابی توهین به آگاهی، شعور و کرامت انسان است.

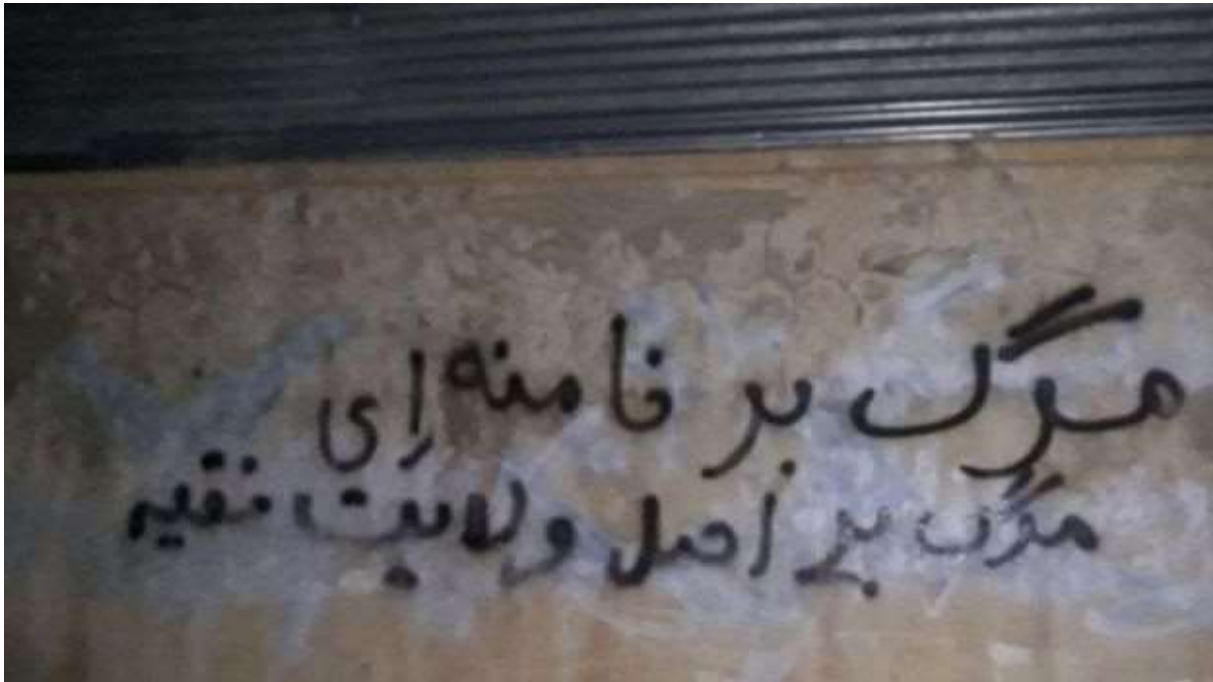
جوانان و مردم با شم سیاسی و تجربه عینی دریافتند، زمانی که دو دولت موازی (بیت رهبری و دولت) وجود دارند، تا زمانی که مردم به خودی و بیگانه تقسیم می‌شوند، تا زمانی که نظام ولایتی و استصوابی برقرار است، ستم، فقر، فساد، سوء مدیریت کلان و تبعیض ساختاری مورد اعتراض مردم، در نظام جمهوری اسلامی انحراف و لغزشی نیست که به این یا آن مقام نظام بستگی داشته باشد و با تعویض این یا آن فرد از میان برود، بلکه ویژگی ذاتی این نظام است. نظام جمهوری اسلامی که در آن روحانیت چون کاستی مردم را به خودی و غیرخودی تقسیم کرده است فقط خودی‌ها امتیاز و رانت دارند و می‌توانند وارد مجلس و شورای شهر شوند، فقط خودی‌ها می‌توانند کمک‌های بلاعوض و یا وام بانکی کم بهره بگیرند. فقط خودی‌ها می‌توانند در اقتصاد و مدیریت جامعه شرکت کنند و مهارت، تخصص و انتخاب مردم نقشی ندارد. از اینرو، جنبش با درایت، نظام ولایتی، هم اصلاح طلبان و هم اصولگرایان را نفی کرده است و همه شعارها به طریقی می‌گویند "نه به جمهوری اسلامی".



تظاهرات دی ماه ۱۳۹۶

مردم از سرکوب، اعدام، اخراج، حذف و تبعیض انتقاد دارند و خسته شده‌اند. جمهوری اسلامی همه معیارهای سیاسی، اجتماعی، مدیریت را در یک معیار سرسپردگی و اسلام‌نمایی و ریا خلاصه کرده است. همه مناصب و امکانات بر این اساس توزیع می‌شود و یا تخصیص می‌یابد. مسلمان این معیار در جامعه مدرن جوابگو نیست.

در کنار ابراز ناخشنودی ژرف از وضعیت اقتصادی، صدای اعتراض به رهبر جمهوری اسلامی نسبت به هر زمان دیگری در تاریخ اعتراض‌های عمومی در چند دهه گذشته، بلندتر، گسترده‌تر و مداوم‌تر در فضای عمومی کشور طنین‌انداز شد. این شعارها، در کنار شعارهایی که دست‌شستن از دو جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب را بازگو می‌کند، پیام بی‌اعتمادی معترضان به ساختار حکومت را چنان عریان فریاد می‌زند که انکار آن غیرممکن است. این شعارها همچنین گویای آن است که جمعیت معترض در خیابان‌ها نه تنها امیدی به بهبود شرایط زندگی‌شان با حفظ یا اصلاح وضع موجود ندارند بلکه ریشه مشکلاتشان را رأس هرم قدرت در ایران می‌دانند.



مردم نه تنها تابلوها (بیلبوردها) و تصاویر خامنه‌ای را پایین انداختند، بلکه امامزاده‌ها، دفترهای امام جمعه‌ها و حسینیه‌ها، پایگاه‌های بسیج و حوزه‌های علمیه را نیز به آتش کشیده‌اند. محمدباقر فرزانه در نماز جمعه مشهد اعتراف کرد: «به دفاتر ۶۰ امام‌جمعه در شهرهای مختلف حمله شده است.»^v همچنین احمد خاتمی عضو مجلس خبرگان اقرار کرد: «اعتشاشگران به ۲۰ حوزه علمیه حمله کردند.»^{vi} مردم با شعارهای زیر به خامنه‌ای، روحانیون و ولایت مطلقه فقیه قاطعانه نه گفتند:

آخوندها حیا کنید، مملکت رو رها کنید
اسلام رو پله کردید، مردم رو ذله کردید
اصلاح طلب، اصول‌گرا، دیگه تمومه ماجرا
امام رضا نگاه کن؛ فکری به حال ما کن
این همه لشکر آمده، علیه رهبر آمده.
توپ تانک فشفسه، آخوند باید گم بشه (کشته شه)
جمهوری اسلامی، نمی‌خواایم نمی‌خواایم
خامنه‌ای (سیدعلی) حیا کن، مملکتو رها کن
خامنه‌ای الاغه، یه دستشم چلاقه^{vii}
خامنه‌ای بدونه، به زودی سرنگونه
خامنه‌ای قاتله، ولایتش باطله
رهبر فدای ملت
سید علی، ببخشید، دیگه باید بلند شید
شعار هر ایرانی، عزل دو لاریجانی
عزا عزاست امروز، حقوق ملت ما زیر عباس است امروز

فریاد هر ایرانی سلطنت آخوندی، واژگون، واژگون
لاریجانی قاضیه؛ با دزدها هم بازیه.
ما اشتباه کردیم که انقلاب کردیم
ما اشتباهی کردیم! چه اشتباهی کردیم!
مایه ننگ ملت، لاریجانی و دولت
مرگ بر اصل ولایت فقیه
مرگ بر جمهوری آخوندی (اسلامی)
مرگ بر خامنه‌ای
مرگ بر دیکتاتور
مرگ بر روحانی
میکشم میکشم آنکه برادرم کشت
نترسید نترسید ما همه با هم هستیم

گذار از حکومت اسلامی

مردم با نفی هر دو جناح‌های اصلاح‌طلب و اصول‌گرا قدرت عزم راسخ خود را برای سرنوینی و گذار از حکومت اسلامی فریاد کردند:
آخوند بره گم بشه؛ ایران گلستان میشه.
آخوندها حیا کنید، مملکت رو رها کنید
اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا
این آخرین پیامه؛ هدف فقط نظامه
این است شعار مردم، رفراندوم، رفراندوم.
بترسید؛ بترسید؛ ما همه با هم هستیم
بسیجی بی ناموس
پلیس ما؛ ننگ ما
توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه
جوون بیکار نشسته، آخوند تو کاخ نشسته
چه اشتباهی کردیم که انقلاب کردیم
خامنه‌ای؛ ننگ به نیرنگ تو
دانشجو میمیرد؛ ذلت نمیپذیرد.
سر اومد؛ سر اومد؛ کاسه صبر مردم.
سید علی بدونه، به زودی سر نگونه
عزا عزاست امروز، حقوق ملت ما زیر عباس است امروز
ما بچه‌های جنگیم؛ جنگ تا جنگیم
ملت گدایی می‌کند، آقا خدایی می‌کند
مملکت آخوندی نمی‌خوایم نمی‌خوایم
می‌جنگیم، می‌میریم، ایران رو پس می‌گیریم.
می‌کشم می‌کشم آن که برادرم کشت.
هیئات منالذله
وای به روزی که مسلح شویم

گرایش به سکولاریسم

یکی از ویژگی این خیزش، شروع حرکت از پیرامون به مرکز و شعارهایش آشکارا ناامید از مذهب و حکومت مذهبی است. اگر به مذهب اشاره می‌شود در نقد آن است نه کمک گرفتن از آن:
اسلام رو پله کردند (کردید)، مردم رو ذله کردند (کردید).
حسین حسین شعارشون، دزدی افتخارشون.
عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، زندگی مال‌باخته روی هواست امروز
ما آریایی هستیم، عرب نمی‌پرستیم.
مرگ بر حزب‌الله
هم اسلام، هم قرآن، هر دو فدای ایران

خشونت پرهیزی

مبارزه مردم ما شرایط دشواری دارد. رژیمی که برای بقایای خود حاضر است دست به هر جنایتی بزند. مردمی که هیچ تشکل و سازمانی برای نشان دادن اراده‌ی جمعی و خشونت‌پرهیز، هیچ ارگانی برای بیان دردها و خواست‌های خود ندارند. شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی یا به قتل رسیدند، یا مجبور به سکوت و یا مهاجرت شدند. در این شرایط مردم به ماهیت رژیم و باطن ذات آنها پی بردند و طبق پیش‌بینی خود خمینی عمل کردند و می‌خواهند فاتحه حکومت اسلامی را بخوانند:

بترسید از آن روزی که مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست، و یک انفجار حاصل بشود. از آن روز بترسید که ممکن است یکی از «ایام الله» - خدای نخواستہ - باز پیدا بشود. و آن روز دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن. قضیه [این] است که فاتحه همه ما را می‌خوانند!

جنبش در پی مبارزه به دور از خشونت است، مردم را به تظاهرات، مبارزه قهرپرهیز، دعوت می‌کنند، نیروهای انتظامی را به بی‌طرفی فرا می‌خواند و امید جذب آنها را دارد. خشونت پرهیزی را نباید انفعال و بی‌عملی تعبیر کرد. مبارزان سلاح مرگبار و برادرکشی را بر زمین می‌گذارند ولی باید به سلاح افشاگری، سازماندهی و برنامه‌مجهز شوند. هر نیروی مادی را باید با نیروی مادی دیگر جابجا کرد.

ارتش فدای ملت، ملت فدای ارتش
بریز بیرون هموطن، حقات رو فریاد بزن
بسیجی، سپاهی، تو دشمن خدایی
بی‌شرف؛ بی‌شرف. viii
رفراندم، رفراندم
لرستان، خوزستان تسلیت تسلیت
نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم
نیروی انتظامی، حمایت حمایت
نیروی انتظامی، خجالت خجالت

آزادی‌خواهی

مردم ایران یکی از دانش دوست‌ترین مردم جهان هستند. بسیاری از آنها از نان شب‌شان زده‌اند و فرزندانشان را باسواد کردند. در جمهوری اسلامی حتی تحصیلات دانشگاهی هزینه کمرشکنی برای بسیاری از خانواده‌ها دارد. تغییر آرام و طولانی ساختاری که دیگر به تغییر کیفی فراروئید، توسعه گسترده آموزش عالی و افزایش روزافزون آگاهی‌های اجتماعی، علیرغم سانسور و حذف دروس آگاهی بخش علوم انسانی و انقلاب فرهنگی اسلامی؛ در عصر ارتباطات و توسعه شهرنشینی و رشد طبقه متوسط و در مجموع بلوغ فکری و سیاسی بخش قابل توجهی از جامعه ما، به ویژه جوانان را به همراه داشت.

تحول ساختاری جامعه ایران، با تحول سیاسی و اجتماعی مناسب و همسنگ آن همراه نبوده است. بر این مردم آگاه نمی‌توان با شیوه رایج دیکتاتوری و یا آخوندی سده‌ی میانه حکومت کرد. انسان آگاه نیاز سیاسی و اجتماعی و رسانه‌ای، امکان مشارکت در تصمیمات کشور خود را دارد. از اینرو، آزادی‌خواهی یکی از ویژگی برجسته جنبش ایران است. مردم به روشنی آزادی، این آرزوی تحقق نیافته دلاوران مشروطه را فریاد زدند:

آزادی، آزادی، آزادی
ای جوان ایرانی، بلند شو بلند شو
ایرانی می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد
توپ تانک فشفشه، دیگر اثر ندارد
حتی اگر بمیریم، دیگه عقب نمی‌ریم
دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد
دراویش؛ دانشجو؛ آزاد باید گردد
زندانی بیگناه؛ آزاد باید گردد
زندانی سیاسی، آزاد باید گردد
ما بچه‌های جنگیم، جنگ تا بکنیم!

مردم آذربایجان، ذلت نمی‌پذیرند
مرگ بر ارتجاع
مرگ بر حزب‌الله!
مرگ بر دیکتاتور!
می‌میریم، می‌میریم، ایران رو پس می‌گیریم
وای به روزی که مسلح شویم!
یا مرگ یا آزادی

حکومت دموکراسی، نفی خودکامگی

حکومت ولایتی و استصوابی دهن‌کجی به رای مردم، شعور و کرامت انسان است. مردم حکومت ولایت فقیه و جمهوری اسلامی را در شعارهایشان نفی کردند. جبهه وسیع مردم نیل به دموکراسی را مقصد خود قرار داده اند:



این همه لشکر آمده علیه رهبر آمده
مرگ بر اصل ولایت فقیه
مرگ بر دیکتاتور

آرزوی بازگشت به گذشته

برخی از مردم، به‌ویژه جوانان با مقایسه اوضاع اقتصادی، اجتماعی و جایگاه کشور در جامعه بین‌المللی و در کنار ناامیدی و یاس از اصلاح امور و تغییر در روند ناکارآمد حکومت و اصلاح ناپذیری، آن آرزوی بازگشت به گذشته را دارند. این شعارها به نوعی انتقاد به اقدامات نسل گذشته در براندازی نظام پادشاهی نیز است.

حسرت دوران پهلوی شاید بیشتر از سر مخالفت با برنامه سیستماتیک حکومت اسلامی در دستکاری و تحریف تاریخ دوره پهلوی به نفع تاریخ جمهوری اسلامی استوار باشد تا از شناخت هم‌جانبه مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن دوران.

ای شاه ایران، برگرد به ایران.
ایران که شاه نداره، حساب و کتاب نداره.
رضا شاه، روح شاد
رضا شاه، معذرت، معذرت.
رضا، رضا پهلوی

شاه برگرد، شاه برگرد، شاه برگرد.
شاهنشاه روح شاد
ولیعهد کجایی، به داد ما بیایی؟

نفی نظام سرکوب

مهم ترین شعار در برابر خشونت حکومت، خطاب کردن نیروی انتظامی، بسیج و سپاه در هنگام حمله به بظواهرات آرام و خشونت‌پرهیز مردم، با عنوان "بی شرف، بی شرف" بود. معترضان با این شعار منش و سبک رفتاری نیروهای دولتی را مورد حمله قرار می‌دادند که البته از گلوله و سنگ بسیار موثرتر است. البته شعارهای دیگر هم مثل "می‌جنگیم می‌گیریم ایران رو پس می‌گیریم"، "نترسید نترسید ما همه با هم هستیم" و "نیروی انتظامی حمایت حمایت" مطرح می‌شد تا معترضان بر عزم جزم خود برای ادامه اعتراضات و کاهش خشونت‌ها تأکید کنند:

بسیجی برو گم شو
بسیجی! داعشی!
بی‌شرف، بی‌شرف
مرگ بر حزب الله
می‌جنگیم می‌گیریم ایران رو پس می‌گیریم
نترسید نترسید ما همه با هم هستیم
نیروی انتظامی حمایت حمایت

مبارزه با فساد و امتیاز

در نبود مطبوعات آزاد، در نظامی که عده معدودی خودی و اکثریت مردم و به‌ویژه جوانان تحصیل کرده غیر خودی هستند، در نظام رانتخواری، در نظام شایسته‌سالارستیزی، در نظام سانسور و حکومت موازی بیت رهبر و دولت، فساد در نظام، نهادینه شده است. خیزش این فساد نهادینه از رهبری تا سپاه را مورد حمله قرار داده است: پلیس برو دزد را بگیر.

خلق جهان بدونه ایران شده دزدخونه.
در ایران چی آزاده، دزدی و ستم آزاد.
لیسانسه‌ها بیکارند، آخوندا راس کارند.
کشور ما دزد خونه است، توی جهان نمونه است

انتقاد از ناکارآمدی

ترکیب به‌هم‌فزاينده شایسته‌سالارستیزی، آفازاده‌سالاری، دامادگرایی، خویشاوندگاری و اختصاص بودجه به جنگ‌گستری و نهادهای غیرتولیدی، غیرپژوهشی و تبلیغات ایدئولوژیک و خرافی و غیرانسانی نظام بغایت ناکارآمد بوجود آورد. جوانان معترض خواهان در هم کوبیدن این نظام هستند: کار سه قومون چیه پاسکاری و ماسمالیه دولت اعتدالی با و عده‌های خالی

نفی گسترش طلبی و جنگ‌گستری

هزینه کمرشکن مادی، معنوی و انسانی شرکت در جنگ‌های سوریه، عراق، یمن، لبنان و فلسطین کاملن ملموس است. از یک سو هزینه کمرشکن و از سوی دیگر دشمنی با همسایگان و جهانیان، گسترش جنگ در منطقه و از سوی دیگر تشدید خصومت بی‌معنای شیعه و سنی در منطقه، مردم را به حق نگران کرده است.

سایه جنگ با سیاست‌های جمهوری اسلامی، به ویژه از سوی بیت رهبری و وزارت خارجی میدانی نه سیاسی، همواره بر ایران سنگینی می‌کند. ایران از یک سو وزارت خارجه ظاهری و منفعل دارد که دم از برجام و دوستی با کشورهای همسایه و جهان می‌زند و از سوی دیگر یک وزارت خارجی واقعی و فعال و میدانی دارد زیر نظر خامنه‌ای و سرداران سپاه در عراق، سوریه، لبنان، یمن و فلسطین. به همه جا اسلحه می‌فرستد، در عراق، لبنان و یمن نیرو بسیج می‌کند، در کردستان عراق مردم را سرکوب می‌کند، حتی افغان‌های مهاجر به ایران را به جنگ سوریه می‌فرستد^{ix}.

مردم جهان و همسایگان ایران، از رژیم جمهوری اسلامی و جنگ‌طلبی‌هایش و دسترسی آن به بمب‌اتم، در هراسند و نتیجه تحریم سیاسی و اقتصادی است که مردم را به زانو درآورده است. مردم نه تنها به خشونت، حذف، به خودی و غیر خودکردن‌ها، بلکه به گسترش جنگ و تخریب روابط ایران با همسایه‌ها و جهانیان را هم نقد و نفی می‌کنند:

سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن
فلسطین رو رها کن فکری به حال ما کن
ما آریایی هستیم، عرب نمی‌پرستیم
نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران

اتحاد و کمک خواهی

مردم سازمانی ندارند. سخنگو ندارند. ولی لزوم اتحاد را لمس می‌کنند و کمک می‌طلبند. شوربختانه تشکل‌های اپوزیسیون سخت از فرقه‌گرایی و تفرقه رنج می‌برد و قادر به ایفای نقش نیست:



ایرانی باغیرت، حمایت حمایت
بزن بیرون هموطن؛ حقتو فریاد بزن.
دانشجو؛ کارگر؛ اتحاد؛ اتحاد
زن‌ها به ما پیوستند، بی غیرتا نشستند
کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد
کنار ما باش x
ما تماشاگر نمی‌خواهیم، به ما ملحق شوید
نترسید، نترسید ما همه با هم هستیم
نیروی انتظامی، حمایت، حمایت

استقلال‌طلبی

استقلال، آزادی، سربلندی، کرامت انسانی و رفاه مردم ایران آرزوی همه جوانان ایران است. جوانانی که با تحصیل در شرایط بسیار سخت هم برای دانشجویان و هم برای پدران و مادران، تحصیلات عالی دارند و به مهارت‌های مدرن مجهز هستند. آنها می‌خواهند ایرانی آزاد، آباد، مستقل و توسعه‌یابنده داشته باشند. حکومت اسلامی با جنگ‌طلبی و سرمایه‌گذاری بر سلاح کشتار جمعی در حرف لاف استقلال می‌زند ولی در عمل وابستگی همه‌جانبه به قدرت‌های جهانی، به‌ویژه قدرت‌های ضددموکراسی دارد^{xi}. جوانان این وابستگی را نفی می‌کنند و خواهانی حکومتی مستقل، آزاد و ملی هستند:

فرزند کورشیم، کانون شورشیم.
ایران وطن ماست، کوروش پدر ماست.

استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی
مرگ بر روسیه
ما آریایی هستیم عرب نمی‌پرستیم

آسیب‌شناسی قیام

گسترده‌گی، دلاوری و از خودگذشتگی شرکت‌کننده نشان داد، مردم سهم خود را برای گذار از حکومت اسلامی به خوبی ادا کردند، این رهبری اپوزیسیون است که با ناتوانی در بهم پیوستن و ناتوانی از ارتباط برقرارکردن با توده‌ها، در ناتوانی از پیوند زدن جنبش‌های سیاسی، معیشتی، صنفی و مدنی، در صدای مردم بودن در داخل و خارج سهم خود را ادا نکرده است. اپوزیسیون قادر نبود تا با رهبران میدانی ارتباط ارگانیک برقرار کند و به ژرفش قیام و فرارویاندن آن به یک قیام سراسری مدد رساند. به زبانی دیگر اپوزیسیون چنان انسجام و اعتباری ندارد که توده‌ها و رهبران میدانی به آنها مراجعه کنند.

عدم وجود تشکل سیاسی سراسری

در ایران هرگز احزاب سیاسی آزاد نبودند. شبکه ارتباطات سازمان یافته و ارگانیک وجود ندارد. احزاب و شخصیت‌ها برای ارتباط با توده‌ها وابسته به رسانه‌های جمعی و اجتماعی هستند. رژیم با اعمال سانسور بر رسانه‌های جمعی و اجتماعی جنبش‌ها را محدود می‌کند.

مبارزان سیاسی داخل کشور دستگیر، زندانی و شکنجه می‌شوند و موانع جدی در ادامه‌کاری آنها و تماس آنها با فعالان و رهبران میدانی وجود دارد.

در احزاب و سازمان‌های سیاسی خارج از کشور هرچند، سالها است که در حرف لزوم همگامی و همقدمی در سرنگونی رژیم است ولی در عمل هنوز فرقه‌گرایی، خودحقوق‌پنداری، خودپاک‌پنداری و ناروادری موانع بزرگ همگرایی هستند.

عدم درک نیاز به سطوح مختلف سازمان‌یابی در جنبش با سطوح گوناگون هم‌منظری و هم‌نگری مانع دیگر است. هنوز فرق حزب، بلوک و جبهه سیاسی برای بسیاری روشن نیست و همکاری را ترمز می‌کند:

الف) احزاب و سازمان‌های ما باید هم‌منظری و هم‌نگری گفتمانی، استراتژی، تاکتیکی، برنامه‌ای و آئین‌نامه‌ای داشته باشند.

ب) بلوک‌های سیاسی راست، میانه و چپ باید هم‌منظری و هم‌نگری گفتمانی، استراتژی کافی است.

پ) برای جبهه‌ی ضدفاشیست هم‌منظری و هم‌نگری گفتمانی، استراتژی و توافق روی بخشی از برنامه مشترک کافی است.

اما در عمل احزاب و سازمان‌ها روادار نیستند و بدون هیچ اختلاف اصولی، با اما و اگرهای منزه‌طلبانه و آرمان‌گرایی، به تلاش‌هایی که برای منسجم‌کردن جبهه‌ای در جنبش صورت می‌گیرد نمی‌پیوندند. بسیاری می‌خواهند جبهه خودشان را تشکیل دهند، ولی هیچکس حاضر نیست به جبهه دیگری بپیوندد. زبان حال ما مصداق کامل بیت عبدالرزاق لاهیجی است:

هرکه بینی، لبش از دعوی منصور پر است لیک، رندی که کشد سرزنش دار، کم است

عدم وجود تشکل‌های صنفی و مدنی مستقل و سراسری

رژیم از یک سو از شکل‌گیری تشکل‌های مستقل صنفی و مدنی جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر هر حرکت صنفی، مدنی یا زیست‌محیطی را سیاسی و امنیتی می‌بیند. تشکل صنفی و مدنی زرد ایجاد می‌کند و یا با نفوذ سربازان امام زمان و آتش‌به‌اختیاران رهبر در تشکل‌ها، آنها را بی‌اثر می‌کند. کارگران و کارکنان شرایط سختی برای افزایش حقوق مناسب با رشد تورم و ایجاد تشکل مستقل برای مبارزه سازمان یافته دارند.

تشکل‌های سیاسی جبهه‌ی متحد ضدفاشیست سراسری هنوز شکل نگرفت و تشکل‌های صنفی و مدنی هنوز اتحادیه‌های سراسری خود را ندارند (شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران قدم‌های جدی در انسجام تشکل‌های معلمان برداشته است). آنها قادر به پشتیبانی از هم و همگامی باهم به شکل نظام‌مند نیستند. تکتک عمل می‌کنند و به راحتی سرکوب می‌شوند. تجربه قیام‌های پیروزمند همگامی، هم‌زمانی عمل، همگامی و پشتیبانی متقابل است.

وابستگی به رسانه‌های اجتماعی

صنعت چاپ در انقلاب مشروطه، اعلامیه‌ها، شب‌نامه‌ها و نوار کاست در انقلاب ۱۳۵۷ و اینترنت و شبکه‌های اجتماعی چون فیس‌بوک و توئیتر در جنبش ۱۳۸۸، شبکه تلگرام در خیزش ۱۳۹۶، در خبررسانی و سازماندهی موثر و وابسته بود. رژیم به این وابستگی آگاه است و در نخستین مراحل جنبش‌های اعتراضی اینترنت را قطع و یا به اندازه‌ای می‌کند که قابل استفاده نباشد و تلگرام و اینستاگرام محدود یا از دسترس خارج می‌کند.

البته رژیم با کنترل از رسانه‌های اجتماعی برای شناسائی و دستگیری فعالان سیاسی، صنفی و مدنی استفاده می‌کند، از اینرو آن را کاملن قطع نمی‌کند.

در ۱۰ دی شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام به صورت موقت روی شبکه‌های تلفن همراه بسته شدند. همراه با سرکوب وحشیانه، بستن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در توقف خیزش نقش داشته است.

سرنگونی یک حق نه یک جرم

حکومت اسلامی مخالفان سیاسی خود و مردم خواهان بهبودی اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به جرم تلاش در سرنگونی رژیم دستگیر، زندانی و اعدام می‌کند. خامنه‌ای غیرمسئولانه و بی‌شرمانه معترضان بیکار، گرسنه و جان‌برکف را با صفاتی چون "اراذل و اوباش"، "اشرار"، "مفسد"، "محارب"، "کاغذ مچاله"، "خس و خاشاک"، "علف هرز" یا "حشره" توصیف می‌کند، و به عنوان مثال در پی اعتراضات ۹ و ۱۰ خرداد ۱۳۷۱ مشهد، در سخنرانی ۲۰ خرداد به نیروهای سرکوبگر رهنمود می‌دهد:

ضدانقلاب وارد ماجرا می‌شود منتهی از زمینه‌های فاسد و مرداب‌های گندیده استفاده می‌کند. این اراذل و اوباشی که گفته شد، بعضی تعجب نکنند. وجود دارد چنین چیزی: یک قشر رذل اوباش چاقوکش، که اقلیت معدودی هستند، مفتخورها و لاشخورهای جامعه، که دستگاه‌های انتظامی باید با اینها برخورد کنند. مثل علف هرزه، باید اینها را بکنند و درو کنند و دور بیندازند.

خامنه‌ای با ادبیاتی که فقط درخور یک چارودار است نه یک رهبر سیاسی، در خطبه‌های ۸ مرداد ۱۳۷۸ نماز جمعه تهران، راجع به مردم معترض می‌گوید:

بسیج... با سازماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وارد شد و به‌طور قاطع، مثل کاغذی که مچاله کنند، دشمن را مچاله کردند... [مردم، بخوان مزدوران و نیروهای سرکوب رژیم] با حضور سیل‌آسای خود در خیابان‌ها و در تظاهرات و در اجتماعات، مثل رودخانه‌ای که می‌آید و خس و خاشاک‌ها را پاک می‌کند و از بین می‌برد... ممکن است چهار نفر از نوکران و مزدوران شما در گوشه‌ای باشند و پسران یا دختران آنها هم دانشجو باشند... ولی توده دانشجویان، مؤمن و هوشیار و رشید و آگاهند. ... خیال می‌کردند عوامل مزدورشان توانسته‌اند یک شبکه منسجم قوی از اراذل و اوباش درست کنند، که وقتی این اراذل و اوباش به خیابان آمدند، دیگر هیچ کس جلودارشان نیست... نفهمیدند که با یک حضور بسیج و با یک حضور مردمی، همه اینها دوباره مثل حشراتی به لانه‌های خودشان خواهند خزید.

این سخنان نشان می‌دهد خامنه‌ای واقعیت سختی زندگی معیشتی مردم را انکار می‌کند، به معترضان توهین می‌کند و مسئولیت خود را در بوجود آوردن این اوضاع نمی‌پذیرد. این انسان‌زادبی^{xiii} خامنه‌ای در شرایطی صورت می‌گیرد که او بی‌شک می‌داند این تظاهرکنندگان به هیچ جا وابسته نیستند و هیچ ارتباطی با خارج ندارند بلکه از گرانی، بیکاری و به زبان خودشان "فقر و فرقی" به میدان آمدند. عبدالرضا رحمانی فضل‌ی، وزیر کشور، بر اساس گزارشی که از سوی شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه شده، که بی‌شک به اطلاع رهبر خود خامنه‌ای رسانده‌اند، و با استناد به گزارش‌های دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی، عوامل ناراضی‌ها را داخلی و بدون هیچ‌گونه دخالت از خارج کشور عنوان کرد و گفت دو عامل باعث ناآرامی‌های دی ماه شده‌است؛ یکی عوامل نزدیک شامل ناراضی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و دیگر سه عامل دور که از نظر او عمیق‌تر است و جمهوری اسلامی باید به آن توجه کند: تغییر نسل، تغییر سبک زندگی، و تغییرات تکنولوژیکی. سبک زندگی مردم، سلیقه، تفریح، روابط و پوشش آن‌ها دچار تغییرات اساسی شده‌است: نوع سلیقه و انتخاب آن‌ها به گونه‌ای است که منطق ما (حکومت‌گران) را بر نمی‌تابد. او گفت یک جرعه کافی است تا اعتراضات شعله‌ور شود.

محمود صادقی نماینده مردم تهران در توییتر خود نوشت: «بنابر گفته مقامات اطلاعاتی در ناآرامی‌های اخیر تاکنون هیچ عامل بیگانه‌ای مباشرت نداشته است».

ولی خامنه‌ای همچنان در یک دیدار عمومی در ۱۹ دی با متهم کردن آمریکا، بریتانیا و اسرائیل، بر آلت دست‌بودن معترضان جان به لب رسیده گفت از چند ماه پیش برای اعتراض در شهرهای کوچک ایران نقشه کشیده‌اند: نقشه مال آمریکایی‌ها و عوامل رژیم صهیونیستی است. پول مال یکی از این دولت‌های خرپول اطراف خلیج فارس است... این دو ضلع. ضلع سوم پادویی‌اش است؛ پادویی‌اش هم مربوط به سازمان منافقین بود، سازمان آدمکش منافقین؛ پادو، آن‌ها بودند.

بر اساس آمار وزارت کشور بیش از ۷۰ درصد بازداشتی‌ها متولد ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ بودند. به زبان دیگر، ۷۰ درصد شرکت‌کننده‌ها بین سنین ۱۶ تا ۲۶ سال بودند. این امر یعنی اینکه نسل جوان و آنهائی که در رفرا ندم شرکت نکرده بودند و به حق خواهان سرنگونی این نظام هستند.

شرکت در مبارزه سیاسی برای تغییر اجتماع یک حق همه‌ی شهروندان است و در اعلامیه حقوق بشر نیز تصریح شده است.

ما باید درباره این حق طبیعی به اندازه کافی تبلیغ و ترویج کنیم. آزادی متشکل شدن برای دستیابی به حقوق سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، آزادی احزاب سیاسی، تشکل‌های صنفی و مدنی مستقل، نه تنها جرم نیست، بلکه حق مسلم همه‌ی شهروندان است.

مبارزه تا پیروزی ادامه خواهد یافت

رژیم جمهوری اسلامی از یک سو می‌خواهد از دستاوردهای تکنولوژی مدرن برای تبلیغ و ترویج خرافات خود بهره‌مند شود و از سوی دیگر می‌خواهد مردم را از بهره‌مند شدن از رسانه‌های گروهی و اجتماعی با اعمال سانسور و قطع و کند کردن اینترنت و سایر رسانه‌های اجتماعی محروم کند.

اگر دولت نرهای به مردم تعهد دارد و می‌خواهد جلوی قیام‌ها و تخریب‌ها را بگیرد باید راه را برای تشکل مردم باز کند. سازمان‌های مردم در احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های مدنی هم ابزاری برای بیان عقاید و گفتگوی خشونت‌پرهیز است و هم وسیله‌ای برای ساختن جامعه. رژیم با امتناع از آزادی احزاب و سازمانها و تشکل‌های صنفی و مدنی و با اعمال سانسور و تقسیم مردم به خودی و غیرخودی، مسئول مستقیم عدم گفتگو و بروز قهر، خشونت و تخریب است.

باز مثل همیشه بین روشنفکران و توده‌های فاصله وجود دارد. بخش بزرگی از روشنفکران به مبارز قهرپرهیز رسیده اند ولی با توده‌ها ارتباط سازمانی ندارند تا بر آنها تاثیر بگذارند.

به امید آنکه این خیزش و شور انقلابی به درسی برای لزوم گسترده‌تر و سازمان یافته‌تر مبارزه قهرپرهیز، لزوم رواداری و شکل‌گیری رهبری جمعی جنبش ختم شود. بدون اینها ما به جایی نمی‌رسیم. این جنبش تقدس‌های زیادی را شکست که عده‌ای سعی می‌کردند ویژه مردم و جنبش ایران بدانند. جنبش نشان داد مردم چقدر از روشنفکرانی که چشم امید به وعده‌ها و اصلاحات قطر مچکانی روحانی داشتند، جلوترند.

تا وقتی فقر، گرانی، اختلاف طبقاتی، بیکاری، بحران معیشتی، ناامیدی از حل بحران معیشتی، فسادهای حکومتی، رانت‌خواری، تبعیض، سوءمدیریت، تقسیم مردم به خودی و بیگانه، حکومت توهین‌آمیز ولایی و استصوابی وجود دارد، مبارزه و اعتراضات ادامه می‌یابد. رژیم مثل همیشه و بنا برماهیت خود، امکان بیان و ارتباطات را قطع می‌کند، با تمام توان امنیتی، دستگیر و سرکوب می‌کند، ولی مبارزه و اعتراضات ادامه می‌یابد. مردم و جوانان نوآور، روش‌های نوین اعتراض و مبارزه پیدا می‌کنند و رژیم و جهانیان را با مبارزات و اعتراضات گسترده و متنوع غافلگیر می‌کنند. چون مشکل حل نشد، فقط انکار می‌شود. رژیم اراده و توان حل مشکلات مردم را ندارد. پیام مردم روشن است: «این آخرین پیام؛ هدف فقط نظامه».

۱۲ دی ۱۴۰۰ - ۲ ژانویه ۲۰۲۲

احد قربانی دهناری

ahad.ghorbani@gmail.com

برای مطالعه بیشتر

[اعتراضات سراسری دیماه ایران: شورش نان](#)

[اگر اعتراضات در ایران ادامه پیدا کند چه می‌شود؟](#)

[بالاخره «بیداری ایرانیان» مقابل حکومت روحانیون](#)

[تحلیل شعارهای حرکت اعتراضی دی ماه ۹۶ ایران](#)

[شعارهای هفته اول تظاهرات سراسری چه می‌گویند؟](#)

The Fire That Fueled the Iran Protests (ترجمه فارسی)

-
- i در سایت خبری انتخاب، ۱۴ دی ۱۳۹۶
- ii علی ربیعی: «مدارای بزرگ» استراتژی دولت در اعتراضات ۹۶ بود. خبرگزاری ایسنا. ۲۳ دی ۱۳۹۷. دریافت‌شده در ۱۰ دی ۱۴۰۰.
- iii امر به معروف و نهی از منکر در جامعه کم‌رنگ شده است. ۲۲ دی ۱۳۹۶. دریافت‌شده در ۱۰ دی ۱۴۰۰.
- iv علیرضا علوی‌نبار، اعتماد ۱۶ دی ۱۳۹۶
- v نماز جمعه مشهد - ۲۲ دی ۱۳۹۶
- vi خبرگزاری دولتی تسنیم - ۲۸ دی ۱۳۹۶
- vii شعارهایی از این دست نشان می‌دهد محررم‌ترین اقشار جامعه به میدان آمدند.
- viii رو به گارد ضدشورش هنگام حمله آنها.
- ix مسئول لشکر فاطمیون در ایران که زیر نظر نیروی قدس سپاه پاسداران ایران اداره می‌شود و از مهاجران افغان ساکن ایران تشکیل شده می‌گوید نیروهای افغان در سوریه دو هزار کشته و هشت هزار زخمی در راه اسلام داده‌اند.
- x برخی ویدئوهای منتشر شده در ۱۲ دی نشان می‌دهد که یگان ویژه پلیس در مواردی در برابر مردم مقاومت نکرده‌است و گفته: «سرباز مملکتیم، با اجنبی می‌جنگیم، نه با شما» و مردم شعار «کنار ما باش» سر داده‌اند.
- xi نگاه کنید به توافق ۲۵ ساله ایران و چین و قرارداد ۲۰ ساله ایران و روسیه
- xii انسان‌زدایی (Dehumanization)، انسانیت‌زدایی یا کرامت‌زدایی از انسان، روش تبلیغی و تهیجی است که برخی رهبران سیاسی و مذهبی برای مخالفان سیاسی و مذهبی خود بکار می‌برند. در این شیوه مخالف سیاسی یا مذهبی هیچ ویژگی انسانی ندارد و در نتیجه هیچ کرامتی هم ندارد. هر عمل غیرانسانی علیه آنها مجاز است. با این ابزار رهبران وجدان انسانی و تفکر مستقل طرفداران خود را از کار می‌اندازند و آنها را برای هر عمل غیرانسانی آماده می‌کنند.